

آنان درواژه‌ها زنده‌اند

روز خبرنگار شد و بهانه‌ای تا به همکاران مان تبریک بگوییم. از ۱۷ مرداد با ارسال تا امسال خبرنگارانی را هم از دست دادیم که حالا نه برای تبریک، بلکه به یادشان می‌نوسیم. قلم به دستانی که دیگر میان ما نیستند اما نام و اندیشه‌های‌شان در واژه‌هایی که به یادگار گذاشتند زنده و ماناست. یکی از اهالی مطبوعات که به تاژگی دار فانی را وداع گفت، سیدمحمد صفی‌زاده است که هفتم مرداد درگذشت. صفی‌زاده روزنامه‌نگار، فعال مطبوعاتی و صاحب امتیاز گروه نشریات ابرار بود. وحید جلیلی، قائم‌مقام فرهنگی و دبیرستاد تحول سازمان صداوسیما نیز در پیامی درگذشت وی را تسلیت گفت. یک ماه پیش نیز خبر درگذشت حمید طلیعی، خبرنگار اقتصادی منتشر شد. طلیعی از روزنامه‌نگاران باسابقه اقتصادی بود که بیش از ۲۸ سال سابقه فعالیت مستمر به عنوان خبرنگار، دبیر و سردبیر رسانه‌های معتلف خبری و سابقه فعالیت در روابط عمومی بخش‌های خصوصی و دولتی را در کارنامه داشت. خرداد امسال نیز خبر دیگری کام اهالی مطبوعات را تلخ کرد. سیدوحید عقلی، روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه پس از یک دوره بیماری در ۶۶ سالگی درگذشت. عقلی را عموما بیشتر در ساخت تدریس و دانشگاه می‌شناسد اما وی نزدیک به ۱۲ سال در روزنامه تهران تایمز در حوزه‌های مختلف فعالیت کرد و پنج سال هم سابقه سردبیری مجله رسانه را در کارنامه‌اش داشت.



زنده‌یاد سید محمد عقلی

سیدوحید عقلی بیان سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶ نیز مدتی مدیریت روزنامه فرهیختگان را عهده‌دار شد. مرتضی شریف خبرنگار پیشکسوت کاشانی نیز تیر ماه امسال پس از طی یک دوره بیماری درگذشت. شریف متولد ۱۳۳۱ بود و در سال ۱۳۶۱ به عنوان «اولین مسئول دفتر خبری صداوسیما در کاشان» فعالیت خود را آغاز کرد. وی در طول مسئولیت ۲۵ ساله خود در این دفتر، در چند نوبت سرپرستی دفتر خبری قم، اراک و کرج را عهده‌دار شد.

حمید نیکیویی، خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی نیز اردیبهشت امسال در یک سانحه رانندگی در محور نیراز - قم درگذشت. زنده‌یاد نیکیویی از جمله پیشکسوتان عرصه خبر و رسانه شهرستان محلات بود که از سال‌ها پیش، از طریق روزنامه جمهوری اسلامی و سایر رسانه‌های کشوری، به پوشش اخبار شهرستان محلات می‌پرداخت.

اردیبهشت ماه خبرنگار دیگری نیز از جامعه اهالی قلم به سوی معبود رهسپار شد؛ حسین تبریزی، خبرنگار پیشکسوت و خوشنام سازمان صداوسیما و فعال حوزه شهری نوزدهمین روز از دومین ماه سال ۱۴۳۲ پس از طی یک دوره بیماری دعوت حق را لبیک گفت. حسن مرادی از پیشکسوتان عرصه مطبوعات لرستان به عنوان خبرنگار و عکاس فعال بود. وی از سال ۱۳۵۶ و در دوره دانش‌آموزی، کار عکاسی خبری را در روزنامه کیهان آغاز کرد. این جانباز هشت سال دفاع مقدس تیرماه ۱۴۳۲ درگذشت.

مهدی خمسه‌صفا از روزنامه‌نگاران کوشای سه دهه گذشته نیز از دیگر درگذشتگان مطبوعات امسال بود. البته پس از روز خبرنگار سال ۱۴۳۲ روزنامه‌نگاران بسیاری را از دست دادیم که در این نوشتار تنها می‌توانیم از برخی از آنان یاد کنیم. یکی از این پیشکسوتان پرویز زافره، موسس مجموعه فرهنگی ورزشی تهرانجوان و از پیشکسوتان مطبوعات ورزشی و همین‌طور عضو پیشین انجمن حمایت از پیشکسوتان و قهرمانان ورزشی ایران بود که مهر ماه ۱۴۰۲ درگذشت. همچنین در این ماه علی فیروزی، خبرنگار شبکه آفتاب تلویزیون محلی استان مرکزی برای پوشش یک مسابقه والیبال در استادوم شهر اراک حضور داشت که بر اثر عارضه‌ای ناگهانی درگذشت.

امروز تحت عنوان خبرنگار نام‌گذاری شده است و به همین مناسبت برخی برنامه‌های رسانه ملی نیز منعطف با آن روی‌آنتن می‌روند. شبکه نمایش تعدادی فیلم سینمایی را پخش می‌کند که در همین حال و هواست. یکی از این آثار که در فضای رسانه می‌گذرد، فیلم مشهور «شبکه» محصول ۱۹۷۶ به کارگردانی سیدنی لومت است. داستان فیلم شبکه در دورانی می‌گذرد که گسترش خشونت و تروریسم باعث شده تا رویکرد شبکه‌های

نمایش «شبکه»

رسانه‌ای در تلویزیون

راویان حقیقت، شاهدان مقاومت

۱۷ مرداد روز خبرنگار است؛ ۱۶۵ خبرنگار فلسطینی طی ۱۰ ماه گذشته جان خود را در مسیر خبررسانی از دست داده‌اند، اما دیگر همکاران‌شان همچنان به روایت حقیقت ادامه می‌دهند

جایی پنهان کنند. اسراء که دوباره به‌گریه افتاد، مادر فکری به سرش زد. سربازان وارد خانه شدند و هرچقدر وسایل عمو را زیرورو کردند، چیزی پیدا نشد. اسراء مدام گریه می‌کرد، بی‌تاب بود و در قنداقش این طرف و آن طرف می‌شد. سربازان از صدای گریه او خسته شدند. خانه را رها کردند و کلافه بیرون رفتند. مادر پیش اسراء آمد و لب‌خندی زد. قربان صدقه‌اش رفت و قنداقی را باز کرد. اسلحه هنوز داخل قنداق بود. اسراء صدایش را بالا برد و گریه کرد. صدای یک غزه و یک باریکه که ۷۰ سال طول کشید تا شنیده شود. صدای اسراء مثل همه کودکان غزه بلند شده است. مثل الیحمی، خبرنگار فلسطینی‌المالم



سپیده اشرفی گروه رسانه

فلسطین به قامت تمام ۷۰ ساله که چنگیده تلاش کرده صدایش را بلند کند. شاید برای همین هم وقتی اسراء الیحمی، خبرنگار فلسطینی‌المالم شروع به حرف‌زدن می‌کند، راننده همراهش تصور می‌کند از چیزی ناراحت است. حتی به مترجم یادآوری می‌کند که اگر چیزی اتفاق افتاده او را هم در جریان قرار دهد. اسراء این را وقتی می‌گوید که برای دومین بار به دیدنش رفته‌م و ریزه‌ریز کارهایش را بالا و پایین کردم تا شاید ردی و نشانی از یک باریکه پیدا کنیم؛ باریکه‌ای که حالا صدایش را به همه دنیا رسانده است. خبرنگار فلسطینی شبکه‌العالم که در طول ۱۰ ماه گذشته در میان دیگر خبرنگاران تلاش کرده تا راوی درست دردهای غزه باشد، در سفری که به ایران داشت و در یک جلسه صمیمی با خبرنگاران ایرانی، روایتی متفاوت از محیط کاری خبرنگاران غزه بیان کرد.

زندگی با بوی بحران

صدای مردم غزه بلند است. اسراء این را می‌گوید و بعد خاطره‌ای از کودکی‌اش تعریف می‌کند که تنها چند ماه از تولدش گذشته بود. داخل قنداق خوابیده بود که در خانه‌شان ولوله‌ای به پا شد. قرار بود بموبش را دستگیر کنند. هر کدام یک طرف می‌رفتند تا اسلحه کوچکی را که عمو در دست داشت،

روایت با صدای بلند

زندگی در اوج بحران غزه، جریان دارد. این را می‌شود از بوی نان تازه جادر کناری و روایت اسراء فهمید. حالا

تلویزیونی به‌تدریج تغییر کند. هاوارد بیل (با بازی پیتر فینچ)، مجری کهنه‌کار شبکه تلویزیونی یوپی‌اس که زمانی یک چهره موفق تلویزیونی بود، جایگاه خود را پس از این تغییرات فرهنگی از دست داده و حالا قرار است از شبکه کنار گذاشته شود اما زمانی که در حین برنامه زنده اعلام می‌کند که در برنامه هفته آینده در مقابل دوربین‌های تلویزیونی خودکشی خواهد کرد، اوضاع تغییر می‌کند. مدیران تلویزیون که در ابتدا از این اقدام

محیط کار آنهایی که راویان رنج غزه شده‌اند، همین جادر و محیط اندکی است که گاهی با بوی تند اجساد مطهر شهدا و گاهی با بوی غذا همراه می‌شود و در نهایت گزارش آنها با همین حال‌وهواست که روی آنتن شبکه‌های مختلف می‌رود. اسراء اینجا هم باید صدایش را بلند کند و می‌گوید که در غزه باید با صدای بلند صحبت کنند، چون خبر دادن و رسیدن به قطار پرشتاب بحران، فقط با همین خبر کردن یک‌دیگر میسر است. حتی یک بار به شوخی می‌گوید کاش مردان فلسطینی هم مثل مردان ایرانی، آرام صحبت می‌کردند. اودر بخشی ازروایتش ازهم‌زیستی اجباری بسیاری از خانواده‌ها و احتمال بروز برخی مشکلات فرهنگی در آینده می‌گوید، اما در برخی خودش هم می‌داند که بیشتر از بحث فرهنگ، حالا بحث زنده‌ماندن است.

گره‌خوردن به قرآن

یک نکته که در تمام ویدئوهای مخابره‌شده از سوی خبرنگاران فلسطینی می‌توان دریافت، گره‌خوردن آنها با یاورهایی است که کل مقاومت مردم غزه را شکل داده است. حتی وقتی چند ویدیوی خام از گزارش اسراء به دست‌مان می‌رسد، می‌توانیم صدای قرآن خواندن «حسبی‌ا...» حنن‌آوردار پشت دوربین بشنویم. این کلمات، چیزی است که شاید در ظاهر گزارش‌ها پیدا نباشد. حتی ویدئویی که بعد از شهادت خانواده وائل الدحجوح، خبرنگار الجزیره منتشر شد، همین کلمات و اتصال به قرآن را نشان می‌دهد. اسراء می‌گوید بعد از فوت مادر همسرش، همسر او بسیار گله می‌کرد اما دیگران به او یادآوری می‌کردند که باید خدا را شکر کند و ناشرک نباشد. اسراء حرف می‌زند و انگار روحش در یک دنیای موازی است. حالت‌های صورت و چشم او، یادآور دردهای غزه و آوارگی است. اصلا چشم زنان دروغ نمی‌گوید. کافی است به آن نگاه کنی تا متوجه شوی چه دردهایی

ناپهتجار بیل عصبانی هستند، متوجه می‌شوند که این خبر به طرز شگفت‌انگیزی در رسانه‌های دیگر بازتاب داشته و تمام اخبار مهم دیگر را تحت‌الشعاع قرار داده است، اتفاقی که به رشد قابل‌توجه جایگاه شبکه یوپی‌اس می‌انجامد. در چنین شرایطی همه به‌دنبال این هستند که شرایط را به نفع خود مدیریت کنند. شبکه با فیلمنامه‌ای از پدی چایسکی و با بازی فی دانوی، ویلیام هولدن، پیتر فینچ و رابرت دووال ساخته شد.



شناسنامه‌ای به اندازه یک کف دست

تنها کمی دقت در اخبار غزه، نشان می‌دهد که خیلی از زنان فلسطینی چیزی شبیه به جادر نماز سرشان است و بالای سر شهادی‌شان ننشسته‌اند. اسراء به این لباس‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید دلیلش انتخاب یک لباس خنک و باحجاب است، چون هر لحظه ممکن است شهید شوند. زیر آوار بروند و می‌خواهند که باحجاب باشند. حالا انگار همین پوشش ساده به نماد زنان غزه تبدیل شده. درست مثل شیشبب. مترجم کمک اسراء می‌کند تا بگوید این کلمه یعنی همان دمپایی ساده خودمان، مثل همان وقت که نیروهای مقاومت برخی اسرائیلی‌ها را روی زمین می‌کشاندند و در قلاب دوربین، همین سادگی شیشبب بود که به چشم می‌آمد. از کودکان به نام مالک و مجد می‌گوید که یک بار از او شیشبب و آبنبات خواسته بودند. سرنوشت مالک شهادت بود. وقتی هدف بمباران قرار گرفتند، مادرش جلوی چشم او خونریزی کرده بود. هرکدام را به یک بیمارستان بردند. بعد از آن، مالک را پیدا نمی‌کردند. اسراء

برای شناسایی او به بیمارستانی که گزارش می‌گرفت رفته بود. دکتر گفته بود فردی با مشخصات مالک در میان شهادت‌ها اما از پیکرش، تنها یک سر باقی مانده. اسراء ملحفه را کنار زد تا مالک را شناسایی کند. مالک نبود اما می‌توانست صدای درد مادر همان کودکی را بشنود که حالا قرار بود با سر فرزند شهیدش روبه‌رو شود. می‌گوید بچه‌هایشان را گاهی باید تکه‌تکه جمع کنند و برای همین، شناسنامه آنها کف دست‌شان است و نام‌شان را روی کف دست‌شان می‌نویسند.

نقش زنان در مقاومت غزه

شاید برخی این‌طور تصور کنند که شادی ابوغازله و نقشی که در جبهه آزادسازی فلسطین داشت. اولین ورود زنان به این مبارزه بود. اما اسراء در قامت یک مادر، یک زن و یک خبرنگار فلسطینی، روایت متفاوتی دارد. می‌گوید تلاش زنان برای مخفی کردن سربازان و جمع کردن سنگ برای مبارزان، اولین تلاش‌ها بوده است.



درنگ

غزه را در کلام او دید. شاید اگر خبرنگار نبود، بخشی از روایت زنان غزه ناتمام می‌ماند. او تنها یکی از خبرنگاراتی است که در طول ۱۰ ماه گذشته تلاش کرده راوی درست غزه باشد و درم‌مردم این باریکه راه به گوش جهان برساند. شاید حالا بار مسئولیت ادامه مسیر ۱۶۵ همکار شهید، او‌روی دوشش سنگینی می‌کند؛ روایتی که پایان پیام همه آنها، شهادت بوده که خود امتداد حیات پیام است.

حرف‌های اسراء درباره زنان، به خانواده کشیده می‌شود. وقتی از او می‌پرسیم که چرا خانواده‌ها در غزه برجمعیت هستند؟ می‌گوید به این خاطر است که اگر یکی شهید شد دیگری بماند. می‌خواهند غزه را آباد کنند. بعد کمی مکث می‌کند و می‌گوید اگر ویرانی‌ها تمام شود، اسراء نماد یک زن مسلمان و یک مادر است که می‌توان زندگی در

نگاه

نشانه رفتن

صدای حقیقت

دفتر رسانه‌ای دولت غزه به تاژگی اعلام کرد تعداد کل روزنامه‌نگاران کشته شده پس از ۷ اکتبر و حملات رژیم صهیونیستی به غزه به ۱۶۵ نفر رسیده است. اسامی این خبرنگاران که غالبا در نوار غزه همراه با خانواده‌هایشان به شهادت رسیده‌اند به این شرح است: محمد فایز ابومطر (عکاس آزاد)، سعید الطویل (مدیر پایگاه خبری الخمسه نیوز)، محمد صبح (عکاس خبرگزاری)، هشام النوجه (خبرنگار خبرگزاری)، محمد الصالحی (عکاس خبرگزاری مرجع چهارم)، محمد جرعون (روزنامه‌نگار وابسته به رسانه هوشمند)، احمد شهاب (خبرنگار رادیو صدای اسراء)، حسام مبارک (روزنامه‌نگار رادیو الاقصی)، محمد بلوشا (روزنامه‌نگار فلسطینی امروز)، عصام بهار (روزنامه‌نگار تلویزیون الاقصی)، سلام مبما (روزنامه‌نگار آزاد)، اسعد شالمخ (روزنامه‌نگار آزاد)، ابراهیم محمدلافی (عکاس عین مدیا)، خلیل ابوعره (فیلمبردار تلویزیون الاقصی)، سمیع النادی (روزنامه‌نگار)، عبدالهادی حبیب (خبرنگار خبرگزاری المناره)، یوسف ماهر دواس (روزنامه فلسطین کروتیکل) و... در این ماه‌ها تعداد کثیری از خبرنگاران به صورت نقطه‌زن از سوی رژیم صهیونیستی در نوار غزه، جنوب لبنان و دیگر مناطق دیگر جنگ کشته یا زخمی شده‌اند که این نشان از تعمد رژیم غاصب اسرائیل در ساکت کردن صدای حقیقت دارد.



پاسداشت

روز خبرنگار

در رادیو صبا

رادیو صبا امروز ۱۷ مرداد به مناسبت روز خبرنگار برنامه‌های متنوعی را راهی آنتن می‌کند. امروز برنامه «صبح صبا» که به صورت تصویری تقدیم مخاطبان می‌شود، با نگاهی طنز به نقد و بررسی شغل خبرنگاری در جامعه می‌پردازد و از مخاطبان می‌خواهد خبرنگار افتخاری صبح صبا باشند. این برنامه به تهیه‌کنندگی امیر اکبری و با اجرای مهید قناعت‌پیشه ساعت ۶ صبح تقدیم مخاطبان می‌شود. برنامه ادبی «مشتاق دیدار» به روایت امیرحسین مدرس با عنوان موضوعی «در‌سر یک خبرنگار» به روایت داستان‌هایی درباره خبرنگاری می‌پردازد. این برنامه ساعت ۱۳ به تهیه‌کنندگی مژگان قرزین تقدیم مخاطبان می‌شود. این شبکه رادیویی به مناسبت روز خبرنگار آخر هفته در برنامه «سیر تا پیاز» میزبان خبرنگاران می‌شود و در فضای متفاوت و نقد و بررسی این حرفه می‌پردازد. سیر تا پیاز روزهای پنجشنبه و جمعه ساعت ۱۳:۳۰ به تهیه‌کنندگی سجاد کلبادی نژاد تقدیم مخاطبان می‌شود.

